

رلایں ترامپ برای زن اماکن غیر نظامی

گیراوق (۱)

همان طور که می دانید، دشمن در جنگ اخیر با حمله به کشورمان اماکن زیادی را از بین برد. ولی در روزهای آخر جنگ با حمله به زیرساخت هایی مانند پل، پالایشگاه، مدرسه، دانشگاه، ورزشگاه و... روی دیگری از خوی و حشیرگی خود را نشان داد. البته برای این کارهای هم بهانه آورد که این اماکن کاربرد نظامی داشته اند و برای کمک به مردم این کار را کرده است. مثلا در پاسخ به انتقاد زدن پل نیمه ساز در کرج، گفت از آن پل نیروهای نظامی برای رفت و آمد استفاده می کرده اند! برای بررسی بیشتر سری زدیم به دفتر خاطرات رئیس جمهور آمریکا تا بفهمیم در طول این جنگ در کله زردش چه می گذشته است.

شهرآزمایش

الان نمی زویم، باید بعدا می زویم

خبرنگاران مدام سؤال می کنند چرا مدرسه را زدید؟ چرا بچه های بی گناه را کشتید؟ اولاً به شما چه؟ زدیم که زدیم، خوب کاری کردیم که زدیم. با چه جرئتیی از من سؤال می کنید؟ من فقط و فقط به ملانیا جواب پس می دم و لاغیر بعدشم، ما یک دلیل خیلی خوبی داشتیم. اگر آن مدرسه را نمی زدیم، آن ها بزرگ می شدند و ما را می زدند. بعد آن موقع مجبور می شدیم ایران را بمباران کنیم که خب این اصلا برای مردمش خوب نیست. پس این به آن در. ظهر داشتم جلو آینه ادا درمی آوردم که ملانیا سر رسید و دید. خب داشتم برای کنفرانس خبری تمرین می کردم. ملانیا خیلی عصبانی شد و دعوا کرد. البته که در این سال های زندگی مشترک، من از روی قیافه اش نفهمیدم کی خوش حال است، کی عصبانی است، کی من را دوست دارد، کی از من متنفر است، کی سیر است، کی گرسنه است، کی خوابش می آید و... ولی از کوبیدن در به هم فهمیدم عصبانی است.

B۲ هوا

امروز دستور دادم با هواپیمای B۲ یک پل را بزنند. دیشب خواب دیده بودم روی این پل لانچر موشک گذاشته اند و دارند به ما موشک پرت می کنند. زیرش هم چندتا سرباز مخفی شده بودند. کنارش هم یک عده جمع شده بودند و آتش روشن کرده بودند تا ما را آتش بزنند. برای همین تا بیدار شدم، گفتم بزنیدش! بعدا معلوم شد پل اصلا کامل نشده بوده و مردم عادی کنارش پیک نیک کرده اند. حالا به هر حال زدیم دیگر، آن هم با یک B۲ سیاه متالیک که این جوری پرواز می کند: قان قان...

اشتباه می زدن

خبر دادند یک دانشگاه ایران را هم زده ایم. بیت گفت بهانه ای برایش جور کنیم که باز خبرنگاران حرف مفت نزنند. به جرد گفتم از عمو لیندزی کمک بگیرد و یک بهانه خوب برای این حمله بتراشد. یک ساعت بعد گفتند چون در آن دانشگاه یکی از استادها کیلویی نمره می داد و ۹ را هم ۱۰ می داد، این کار باعث می شد دانشجویان بی سواد بار بیابند و فارغ التحصیل شوند و یک جای مهمی استخدام شوند و با بی سوادیی شان مملکت خودشان را خراب کنند. خبردار شدم یک ورزشگاه را هم زده ایم. این بار خودم در کنفرانس خبری که هر روز برگزار می کنم، به خبرنگاران گفتم دلیلش این بوده که در آن ورزشگاه همه از یک کنار اشتباه می زده اند. به همین دلیل آنجا را با خاک یکسان کردیم تا ورزشکاران به خودشان صدمه نزنند. خلاصه که ما صلاح مردم ایران را می خواهیم؛ حتی اگر آن ها را بکشیم.



کارتون: شهرام شیرزادی



۲۲ فروردین ۱۴۰۵ / شماره ۱۲۷

۴

مرور کنید

مهمان شما گنجینه ارزشمندی از اطلاعات جنگ است. او خاطراتی دارد و اتفاقاتی را دیده است که شما ندیده اید. می توانید هر لحظه از او بخواهید که خاطره «اون موشک بزرگه که گفتمی خورد و ولی عمل نکرده»، یا «خونه اون همسایه تون که هیچی ازش نموند» را تعریف کند. حتی می توانید از او بخواهید فرق صدای جنگنده، پرتابه، پدافند و موشک را هم بیان کند. هر بار که فرد جدیدی به جمعتان اضافه شد، از مهمان بخواهید همه این خاطرات را دوباره بگوید تا کسی بی نصیب نماند!

گزارش بدهید

وقتی یکی از نزدیکانتان از حملات موشکی و پهپادی تهران، به خانه شما پناه آورده، بهترین کار ممکن این است که او را در جریان همه اخبار قرار بدهید. او باید بداند دقیقا کدام محله های تهران الان هدف اصابت قرار گرفته، چند خانه تخریب شده است و شایعات کف خیابان چه می گویند. به هر حال، از محیط دور شده است، اما هنوز روانش باید درگیر جنگ باشد دیگر!

فرهنگ شهروندی

فرزانه زینلی



دستورالعمل
میزبانی از هم وطنان آسیب دیده
از حمله دشمن صهیونی آمریکایی
مهمان حبیب
خداست!